

## ایران بر سر دو راهی

انقلاب صرفنظر از زد و بند های پنهانی، شاهد بودیم که چگونه پس از ۴۴ روز رجز خوانی و رد کردن میانجیگری ها واز بین بردن فرصت ها، درست در زمانی که ریگان سوگند ریاست جمهوری خود را ادا می کرد، جمهوری اسلامی گروگان های آمریکایی را پرواز داد و به وی هدیه داد. ریگان در سخنرانی های انتخاباتی خود تهدید کرده بود که اگر رئیس جمهور شود برای رهایی گروگان ها به ایران حمله نظامی خواهد کرد. در جنگ ۸ ساله عراق با ایران با اینکه یک سال ونیم پس از شروع جنگ، فرصت خوبی برای پایان یافتن جنگ فراهم شده بود، قدرتمداران جمهوری اسلامی با تصورات و توهمات نا درست، بیهوده به جنگ ادامه دادند تا پس از ۸ سال جنگ و بار شدن خسارات جانی و مالی بی شمار بر گرده ملت ایران، قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را پذیرفتند و به جنگ در شرایطی بسیار بد و موقعیتی خیلی ضعیف پایان داده شد. اکنون که مجددا در یک بزنگاه حساس، با مذاکرات کشور های ۱+۵ بر سر پروژه های اتمی روبرو شده ایم. باید تصمیم گیران اصلی در این مذاکرات دچار توهم و تخیل نشوند و بدانند که آن شرایطی که هند را در تکنولوژی هسته ای پیش برد و به سلاح اتمی رساند، شرایط ویژه ای بود که هم آمریکا و هم اتحاد شوروی در نگرانی مشترکی که از اتمی شدن چین داشتند در یک توافق پنهانی، هند را در مقابل چین بر افراشتند و به قدرت اتمی شدن رساندند. اگر پاکستان نیز وارد این معرکه اتمی شد عکس العمل چین به اقدام آمریکا و شوروی بود که زمینه ی آن را فراهم کرد. در جهان امروز نه جامعه بین المللی و نه حاضران در باشگاه اتمی، امکان ورود مهمان جدیدی را به این باشگاه نمی دهند. این کشور دیگر ظرفیت بازی آزمون و خطا را ندارد. با اموال این ملت و موجودیت این کشور نباید بازی شود.

مبنی برگزیدن راه دوم، نه در راستای منافع ملی و آسایش و رفاه ملت ایران و نه حتی در جهت حفظ کیان ملی و موجودیت و بقای کشور است. مسلما آگاهان و مصلحت اندیشانی در درون دایره قدرت و نزدیک به هسته مرکزی حکومت هستند که این بدیهیات را درک می کنند، پس چگونه است که قدرتمداران از قبول واقعیات و شرکت در مذاکرات طفره می روند و بر سرعت غنی سازی می افزایند و به تحرکات منطقه ای در خارج از مرز ها ادامه می دهند و حتی از درگیری مستقیم با نیروهایی که آن ها را دشمن می نامند ابایی ندارند؟ برای این پرسش دو پاسخ را می توان مفروض داشت. نخست آن که جمهوری اسلامی در صدد است با افزودن بر درجه غنی سازی و اضافه کردن ذخیره اورانیوم غنی شده و با ادامه دادن به تحرکات منطقه ای، در مذاکرات پیش رو حرفی برای گفتن و برگی برای بازی کردن برای خود فراهم کند تا شاید امتیاز بیشتری به دست آورد. پاسخ دومی که در ذهن متجلی می شود آنست که شاید همان دست های مرموزی که هزاران برگ اسناد محرمانه اتمی را از دورقوز آباد به کامیون بار کرده و به آسانی از مرز بیرون بردند و یا در روز روشن دانشمند اتمی جمهوری اسلامی را در نزدیک پایتخت به گونه ای که هنوز کم و کیف آن روشن نشده ترور کردند نمی گذارند و نمی خواهند که مذاکرات آبرومندانه ای انجام شود و ایران به جامعه جهانی باز گردد. اما در مورد فرض اول باید گفت که این ترفندها و این گونه محاسبات حکومت همیشه درست از آب در نمی آید. وقتی به گذشته نگاه می کنیم، درمی یابیم که این نوع تصورات و خود زرنگ پنداری ها و انجام ندادن اقدام در زمان مناسب و مقتضی، غالبا موجب از بین رفتن فرصت ها و به زیان منافع ملی تمام شده است. در ماجرای اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری در ماه های اول پیروزی

سوء سیاست و بی درایتی و عدول از سیاست مستقل ایرانی و مداخله در مناقشات منطقه ای از طرف حکومت جمهوری اسلامی، کشور را بر سر یک دو راهی حساس و سرنوشت ساز قرار داده است. در یک راه مذاکره با جامعه جهانی به سر کردگی شش قدرت بر تر جهان مرکب از آمریکا، چین، روسیه، انگلیس، فرانسه و آلمان، و امکان دستیابی به یک توافق و تفاهم بر سر فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی و موضوعات جانبی آن است، که این راه ممکن است بتواند ایران را از انزوا و تحریم و بحران های فزاینده سیاسی و اقتصادی بیرون برده و ملت ایران را از این سیاه روزی وصف نا شدنی فقر و بیکاری و گرانی و تورم روز افزون و تهدیدات امنیتی تا حدودی رها سازد. اما مسیر دوم راه عدم مذاکره و توافق نکردن با جامعه جهانی و ادامه دادن به فعالیت های غنی سازی اورانیم با درجات بیشتر و ادامه دخالت در امور کشورهای منطقه مانند سوریه و لبنان و عراق و فلسطین و یمن است، که نتیجه آن تداوم و افزایش تحریم ها و عمیق تر و جدی تر شدن بحران های سیاسی و اقتصادی را در ذهن مجسم می سازد. اضافه بر این، گزینش این راه ممکن است خطر تهاجم نظامی علیه کشور و از بین رفتن تمام زیرساخت های صنعتی، اقتصادی و نظامی را هم به دنبال داشته باشد. زیرا نه هیچ یک از آن شش قدرت جهانی طرف مذاکره و نه هیچ کشوری از جامعه جهانی موافق با فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی نیست. حتی روسیه و چین هم که بنا بر تصور مسئولان جمهوری اسلامی متحد استراتژیک جمهوری اسلامی هستند نیز با روند فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی موافقت نداشته و ندارند. در گذشته هم بر قطع نامه های سازمان ملل بر ضد ایران در این زمینه مهر تایید نهاده اند. یعنی اینکه آن ها هم فعالیت اتمی جمهوری اسلامی را بر نمی تابند. بر این

## دریغ است ایران که ویران شود کعبود آب در حال ویران کردن ایران است

می‌دانستند و بی محابا از آن برداشت کردند تا جایی که از حد تحمل زمین گذر کرد. آب‌های سطحی زمینی وزیرزمین به پایان رسید زغال سنگ‌ها از دل کوه‌ها بیرون کشیده شده و سوزانده شدند سوخت‌های فسیلی بی محابا سوزانده شدند. هوای آلوده شد. نفس کشیدن دشوار شد.

ملت بزرگ ایران! عدم رعایت مصرف بهینه آب، همه ما را به مصیبت سخت فرو خواهد انداخت. ایران تشنه است. اگر هر نفر از ما روزانه یک لیوان آب کمتر مصرف کنیم روزی ۱۷ میلیون لیتر آب، ذخیره می‌شود. امسال هشتمین سال ورود ایران به خشکسالی مخصوصا در استان بوشهر و استانهای همجوار آن و نواحی جنوب شرق و شرق کشور است.

طبق گفته‌های ناسا ایران از ۸ سال پیش وارد دوره ۳۰ سال خشکسالی شده است. و اگر همه افراد جامعه و دولت به فکر نباشیم، تا ۱۰ سال آینده ایران، کاملا بیابان خواهد شد! طبق گزارش ناسا شدت خشکسالی در ایران به حدی هست که کشاورزی ایران به کل نابود می‌شود. ایران تبدیل به واردکننده محض محصولات زراعی خواهد شد. اگر تدابیر جدی گرفته نشود بگفته ناسا ایران از کشور نیمه‌خشک به یک کشور کاملا خشک تبدیل خواهد شد!

تنها نکته امید بخش و قابل توجه اینست که کاستن ۲۵٪ از مصرف آب کل کشور اعم از صنایع و مانند آن و همکاری همه جانبه ملت دولت می‌تواند برای رد شدن از این بحران اثر گذاری داشته باشد.

شرط اساسی موفقیت در چنین کاری، یعنی صرفه جویی ۲۵ درصد از مصرف آب چنان کار بزرگی است که بدون احساس مسئولیت کامل حکومت و تنها با کمک حتی همه مردم کاری از پیش نخواهد رفت.

به آب ببینید! به آب احترام بگذارید که بدون آب زندگی نیز نخواهد بود.

با آب بازی نکنیم! قطره قطره آبرو نگهدار باشیم. موضوع بی‌آبی خیلی جدی است. به مرز خطر رسیده است. خطر را سرسری نپنداریم.

آبیغی زندگی.

زنده و جاوید و سربلند باد ملت ایران - پاینده و سربلند باد ایران

به مهاجرت چند دهه میلیونی جمعیت منجر شود. یک محاسبه‌ی کارشناسی اخطار داده است که ممکن است بر اثر بی‌آبی ظرف نه سال آینده اصفهان از جمعیت تهی شود.

مهاجرت‌ها منجر به نابودی آثار تاریخ و تمدن ایران می‌شود. چند هزار مسجد چندصد هزار آثار تاریخی با معماری شگفت‌انگیز و بی‌همتا، در شهرهای ایران درخطر ترک‌های ناشی از فرونشست قرار دارند. هزاران پل و معبر تاریخی در یک قدمی ویران شدن هستند.

به گفته کارشناسان مسئله آب در ایران به یک «ابر بحران» تبدیل شده است. خشک شدن رودخانه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌ها و تشدید جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی و فرونشست زمین پیامد کاهش منابع آبی، سدسازی‌های بی‌رویه و انتقال بی‌رویه و غیرعلمی آب و کم شدن نزولات آسمانی، کاهش پوشش‌های گیاهی و جنگلی، تخریب مراتع، توسعه غیراصولی و غیرکارشناسانه کشاورزی، توسعه شهرها... و برداشت غارت‌گونه شن و ماسه بستر رودخانه‌ها، همچنین افزایش بدون مطالعه و غارتی آب‌های زیرزمینی با حفر چاه که از ۵۰ هزار چاه در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۷۰۰ هزار حلقه چاه در سال ۱۳۹۵ رسیده است و با مانع نبود آب متوقف شده است. بحران آب به مرحله‌ی خطر ناک نابودی سرزمین کهن ایران زمین کشیده شده است.

دریغ است ایران که ویران شود.

تنها یک راه چاره باقی مانده است و آن این است که از همه ایرانیان دعوت کنیم یک‌دل و یک زبان کمر همت ببرند و اندیشمندان با اتحاد و یکپارچگی به نجات کشور برخیزند.

نخست با نوشتن نامه و تهیه طومار از سران حکومت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری و دیگر مسئولان کشوری بخواهند که بدون تلف کردن حتی یک ساعت در اقدامی عاجلانه و فوری با استمداد از دانشمندان اقلیم شناسی و استادان دانشگاه‌های

ایران و بیرون از ایران، طرحی اساسی و علمی برای نجات سرزمین کشور تهیه نموده و بدون اذیت‌دادن فرصت آن را به اجرا بگذارند. اینک طبیعت انتقام می‌گیرد. ذوق زدگی بشر از یافته‌های دوران مدرنیته و به‌دست آوردن تکنولوژی باعث شد بشر خود را مالک همه‌کاره زمین بداند. طبیعت تخریب شد. آنچه را در روی زمین و زیر زمین بود کوبیدند و به زباله تبدیل کردند. زمین را بی‌نهایت

اکنون می‌توانیم درک کنیم که بومیان و سرخپوستان چرا با طبیعت مانند یک موجود زنده برخورد کرده به آن احترام می‌گذاشتند. بدون تردید حکمایی داشتند که دریافته بودند رعایت حریم مادر طبیعت وظیفه‌ای همگانی و امری واجب است.

بشر پس از ورود به مدرنیته و با دست یافتن به کار افزارهای پرتوان حریم مادر طبیعت را زیر پا گذاشت و با طبیعت که به او خاک برای زندگی و آب و غذا برای زنده ماندن داده بود بجای پاسداشت طبیعت، مانند مالکی بیرحم هوا و زمین و غنایم زیرزمینی را برداشت بی‌رویه نمود و با زباله‌ها و پسماندهای فسیلی و دیگر پسماندها زمین را برای خود غیر قابل زیست نمود. بعلاوه نسل بسیاری از جانوران و گیاهان را برای همیشه نابود کرد.

بی‌اعتنایی به موهبت‌های طبیعت و دست درازی‌های جاهلانه و بدون شناخت کار را بجائی رسانده است که گوئی مادر طبیعت انسان‌ها را از دامن خودش می‌راند.

با گرمایش زمین یخ‌های قطبی بسرعت آب می‌شوند. آتش گرفتن جنگل‌ها ساکنان را فراری می‌دهد و ساکنین نزدیک نیز منطقه را ترک می‌گویند.

در جنوب ایران گاهی در تابستان گرما به بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد و کارها تعطیل می‌شود.

در گرمای بالاتر همه گیاهان خشک می‌شوند.

با انتقال بی‌رویه آب اینک خوزستان سراسر آباد نیازمند قطره‌های آب شده است. کارون که دریایی آب داشت و کوسه‌ها در آن جولان می‌دادند و با ماهیگیری از آن هیچ کس گرسنه نمی‌ماند اینک خشک شده‌است. هورالعظیم و دیگر آبخان‌ها که منبع نعمت بودند اینک جای عزاداری برای نعمت‌های نابودساخته الهی شده است.

به گفته کارشناسان ۲۹ استان دچار فرونشست زمین شده‌اند که این روند همچنان ادامه دارد. چاه‌ها آب ندارند. مخزن‌ها و کنجینه‌های زیرزمینی آب به پایان رسیده‌اند.

شورای عالی آب که تشکیل آن خلاف اصل ۵۷ قانون اساسی واصل تفکیک قوا است از سال ۸۰ تا ۱۳۹۸ طی چهل نشست رسمی انبوهی از تصمیم‌های غیر کارشناسانه گرفته‌اند که همه بدون نتیجه و به ناکارآمدی منتهی شده است.

فرونشست زمین این تهدید را بوجود آورده است که ممکنست

## هفتم آبان ماه و گرامیداشت کوروش

نیکوکار، دانا و پرهیزکار» خوانده است و آرزو ورزیده، تا یونانیان حاکمی چون او بیابند.

افلاتون در رساله قوانین می‌نگارد: «در دوران پادشاهی کوروش ایران راه آزادی در پیش گرفته بود. پارسیان هم خود آزاد بودند و هم بسی مردمان را که زیر فرمان داشتند. فرمانروایان به زیر دستان آزادی به اندازه داده و نگاهبان برابری بودند». آشیل (ایستخولوس) تراژدی نویسنده مشهور یونان در نمایشنامه «ایرانیان» می‌نویسد: «کوروش صلح و آسایش را به مردمش ارزانی داشت».

انکار کوروش یا برخاسته از ناآگاهی است یا اغراض ایران ستیزانه. بهره جویی ابزاری از این نام بزرگ برای مدعیان سلطنتی که به استظهار بیگانه و در سایه ی کودتا در برهه ای به قدرت رسید، راه به جایی نمی‌برد. بهتر آن است که کوروش مصادره ی حزبی نشود و برای هویت ایرانی اسطوره ای زایا بماند. اسطوره ای که چند دهه تمامت خواهان برای محو نامش و یادمان هایش کوشیدند، اما ریشه ی فرهنگی عمیق آن سترگ تر از آن بود، که سرکوب های سیاسی تمامت خواهانه مجال زدودن آن را از صحیفه ی فرهنگی این دیار بیابند.

آشوریان و رومیان. مثلا کالیگولا اصرار داشت بت خود را در معبد یهودیان برافرازد و تیتوس معبد اورشلیم را ویران کرد. اما کوروش احترام به هویت های فرهنگی را یک اصل قرار داد.

نکته ی مبرز دیگر اخلاق جنگ بود، آن چه امروز در کنوانسیون های بین المللی بدان می پردازد و برخی کشورها به راحتی آن را زیرپا می گذارند. از جمله حفظ حقوق غیر نظامیان در جنگ، عدم شکنجه و آزار اسیران و مانند آن.

توزیع قدرت و امکانات با سازمان دادن ساتراپ ها تمرکزی متکثر را پدید آورد که باشندگان یک واحد سیاسی احساس تبعیض و ناروایی نداشتند باشند و رشد و شکوفایی زبان ها و فرهنگ های محلی تشویق می شد و از یکدست سازی تحمیلی اجتناب می گردید.

کوروش هرگز ادعای خدایی و «چه فرمان یزدان چه فرمان شاه» به گواهی کتیبه های موجود نداشته است. احترام به انسان ها فارغ از دین و نژاد و قومیت از ممتاز ترین ویژگی های او بوده است. نبشته ی کوروش و شرح ورودش به بابل یکی از اسناد گویای این مدعا است. هرودت ( ۴۸۴ پیش از میلاد) می‌نویسد: «ایرانیان در زمان کوروش آزادی داشته اند». گزنفون در کتاب کوروش نامه «او را پادشاهی

پرداختن به تاریخ برآمدن و حکمرانی کوروش و تاسیس کشور ایران از ابعاد مختلف قابل بررسی است و آموزه های نهفته در آن همچنان برای امروز این کشور کهنسال به کار می آید. یکی از این ابعاد، بعد سیاسی- فرهنگی است. دیوانسالاری، صنعت، توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی از زمره خدمات اثرگذار کوروش در تاریخ بشری است. رواداری او در برخورد با اقوام و آیین ها و اندیشه های مختلف و پذیرش تفاوت در احاد بشری بی گمان از مهم ترین ویژگی های او برای بشریت بود.

در عین یکپارچگی قلمروش تفاوت های قومی را سرکوب نکرد و با دادگستری و رفاه اجتماعی و به رسمیت شناختن حقوق احاد باشندگان سرزمین ایران، تکررگرایی را رسمیت بخشید. برخی محققان تاریخ پژوه برآنند، که برای نخستین بار اصطلاح «عرب» (اربابه) و «یونانی» (ایونیه)، که شامل آتنی و اسپارتنی همزمان می (شد). برای متمایز ساختن یک هویت قومی در کتیبه ی بیستون به کار برده شده است.

پیش از کوروش و پس از او حمله به ادیان قوم مغلوب و کوشش برای امحاء هویت های فرهنگی اصلی مرسوم بود. نظیر اقدامات

## ساختار استبدادی و توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت

گسترش فقر و بیکاری و گرانی و محرومیت اکثریت مطلق مردم جامعه می شود.

لذا با آن ساختار قدرت مطلقه، ساختار حقیقی و بازیگران ثابت در قدرت، جامعه را حیطا خلوت خود می داند و علاوه بر طمع قدرت بدون نظارت، گرفتار طمع ثروت هم می شوند. ثروت چنین افرادی نتیجه فعالیت اقتصادی نیست، سرمایه های بادآورده ای است که با زد و بند و اختلاس و رانت و غارت سرمایه های مردم به دست آمده است. از آنجا که در خاورمیانه و از جمله ایران بودجه و اقتصاد کشور متکی به فروش و درآمد نفت است و انحصار این سرمایه نیز در دستان حکومت است، دولت و دستگاه سیاسی بدون اتکا به کار و تولید داخلی، صاحب انحصاری سرمایه و درآمد هنگفتی می شود که نه تنها آنان را از مردم بی نیاز می کند، بلکه مردم را نیازمند حکومت می کند.

در حکومت‌های خودکامه و غیر پاسخگو مانند حکومت جمهوری اسلامی، مردم را به خودی و غیر خودی، موافق و مخالف، اقلیت و اکثریت و... شیعه و سنی تقسیم می کنند و در توزیع شغل و سرمایه و امکانات نابرابر و تبعیض آمیز رفتار می شود. گرفتن هر گونه مجوز شرکت و کارخانه و تولیدی و هر گونه استخدام و یا امتیاز کسب و کار منوط بر نزدیکی به حاکمیت و اظهار وفاداری و پذیرفته شدن در گزینش و تفتیش عقاید و روشهای قرون وسطایی است. حتی برای چند دهه ورود به دانشگاه نیز گزینشی بود. امروز هم تحصیل در مقاطع بالاتر و در برخی رشته ها گزینشی و منوط بر نزدیکی به حاکمیت است. لذا جایگاه اشخاص در سلسله مراتب شغلی در رژیم هایی مثل جمهوری اسلامی نه بر اساس دانش و تجربه و تخصص، که بر مبنای رابطه و میزان نزدیکی به حاکمیت تعیین می شود. در این ساختار معیوب اشخاص و مقامات تبدیل به باند‌های مافیایی مالی-نظامی می شوند که به تعبیر برخی از آقا زاده ها سر سفره انقلاب نشسته اند و هر یک سهم خود را برداشت می کنند. در این ساختار بسته، اشخاص ثابتی مثل اختاپوس، همه سرمایه ها، امکانات، منابع، پست های سیاسی و اداری و مدیریتی و اجرایی و نظامی را اشغال کرده اند. حتی مدیر عامل تیم های ورزشی نیز از اشغال آنها مصون نمانده است.

خودمختاری فردی، استقلال شخصیت و نقد، مساوی با انواع محرومیت‌های شغلی است. انقلابی که بشارت آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی داده بود، با این سیستم پر فساد و ناکارآمد فقر را بجای رسانده است که برخی از مردم از کارتن خوابی به گور خوابی افتاده اند. بنا بر یک تعبیر زیبا، در کشوری که کارفرمای یگانه دولت است، مخالفت و نقد برابر با گرسنگی و مرگ تدریجی است.

نتیجه اینکه عدم توزیع عادلانه قدرت و عدم توزیع عادلانه ثروت، معلول ساختار حقوقی موجود است که موجب ساختار حقیقی فاسد و ناکارآمدی شده است که به جبران چهل و عدم تخصص و دانش و تجربه علمی و تبعیض های سیستماتیک و استبداد سیاسی، سرمایه های کلانی را هزینه تفرقه اندازی قومی و سرکوب مردم می کند. اما در اعتراضات خوزستان، حمایت مردم لرستان و بختیاری و آذربایجان و اصفهانی و کرچی و سایر مناطق کشور از اعتراضات بحق مردم خوزستان نشان داد که ملت ایران با هر زبان و لهجه و دین و مذهب و قوم و طایفه ای فریب تفرقه افکنی های شیطان آمیز را نمی خورند و در چارچوب ایران متحد علیه ظلم و تبعیض و فساد و استبداد حاکم متحد به مبارزه بدون خشونت خود تا تغییر و تحول در ساختار فاسد و ناکارآمد ادامه خواهند داد.

انقلاب ۵۷ برای استقرار استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی و جمهوری می بود که قرار بود اسلام مبنای اخلاقی و معنوی آن باشد. در زمان انقلاب چه در پاریس، چه در تهران سخنی از ولایت فقیه نبود. در همه گفته ها و مصاحبه های آیت الله خمینی سخن از آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی بود و قرار بر این بود که نه آقای خمینی و نه سایر روحانیون، در قدرت و حاکمیت دخالت نکنند و پست و مقامی نداشته باشند.

آیت الله خمینی می گفت روحانیون شغلشان چیز دیگری است، من و روحانیت به درس و بحث طلبگی خود خواهیم پرداخت. با توطئه حسن آیت و تحت هدایت مظفر بقایی در خیرگان قانون اساسی، سهم ویژه خواهی روحانیت و اصل ولایت فقیه مطرح شد و اولین استارت انحراف اساسی انقلاب از جمهوری به استبداد زده شد.

با این انحراف مشروطیت به حکومت جمهوری اسلامی با چنین ساختاری تبدیل گردید. استبداد غیر قانونی و البته محدود شاه به استبداد مطلقه قانونی تبدیل شد. در علوم سیاسی که به شرح چگونگی توزیع عادلانه و دموکراتیک قدرت می پردازد، برای پرهیز از استبداد و خودکامگی، قدرت را از نظر زمانی محدود و از نظر میزان اختیارات نیز محدود و مشروط می کنند تا امکان خودرایی و خودکامگی را از حاکمان سلب کنند. در علم سیاست و در سطح جهان واژگانی چون ولی و رهبر و هدایت گر مطلقا موضوعیت ندارد. و وظیفه حاکمان رتق و فتق امور به نحوی است که از رنج های قابل اجتناب مردم بکاهد.

با این اوصاف در جمهوری اسلامی چیزی به اسم توزیع عادلانه قدرت و گردش آزاد نخبگان و به طبع آن آزادی و دموکراسی و نقد قدرت بلا موضوع است. بالاترین مقام انتخابی رئیس جمهور است که به اعتراف آقای محمد خاتمی در حد تدارکاتچی است، و اگر با رهبر و نهادهای انتصابی زویه داشته باشد، به طور کامل فلج خواهد شد.

به این ترتیب سیاست تعطیل می شود و همه نهادهای سیاسی مستقل و شخصیت‌های برجسته سیاسی که خواهان گردش نخبگان و انتخابات آزاد و عادلانه و رقابت سیاسی هستند، به عنوان لیبرال و فتنه گر و توطئه گر و... مخمل امنیت و در اردوگاه دشمن بودن از سیاست ورزی منع می شوند. در این ساختار حقوقی بسته و غیر دموکراتیک که انحصار قدرت در دستان عده ای خاص است، در طی ۴۳ سال فقط پست‌ها و سمت ها بین همان افراد تعویض می شود. با چنین سیکل بسته ای از قدرت مطلقه که بجای وکالت از مردم، هدایت تمام امور جامعه را در اختیار دارد و همراه با نهادهای انتصابی گوناگون، مثل سپاه و مصلحت نظام و شورای نگهبان و قوه قضائیه و دادگاه‌های انقلاب و امامان جمعه و صدا و سیما انحصاری و روحانیون مختلف در مساجد و محلات و حوزه های علمیه و... بنیادهای مختلف، هم نیروی نظامی برای سرکوب و قوه قهریه دارند و هم دستگاه تبلیغات و هم سرمایه اقتصادی دارند و هم قوه قضائیه امنیتی و دادگاه‌های انقلاب دارند و هم نیروهای اطلاعاتی و امنیتی دارند تا گردش نخبگان و انتخابات آزاد و توزیع عادلانه قدرت غیر ممکن شود.

حال با این ساختار حقوقی غیر دموکراتیک و انحصارطلب شما اختیار سرمایه های ملی مثل نفت و گاز و معادن مختلف را هم به آنها بسپارید، چیزی بهتر از وضع فلاکت بار امروز کشور نخواهد بود. وقتی به قدرت استبدادی که انحصار قدرت مطلقه سیاسی را در اختیار دارد، انحصار سرمایه های ملی را هم بدهید، تبدیل به حاکمیت خودکامه ای می شود که حاصل آن رشد مضاعف اختلاس و رانت و غارت سرمایه های ملی و ظهور طبقه جدید اشرافیت در میان حاکمان است و در دیگر سو موجب

تمامی مشکلات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران که موجب فقر و تبعیض و محرومیت مردم از امکانات و حقوق اولیه شده و فساد گسترده و ناکارآمدی حاکمان و غارت سرمایه های ملی و سرکوب و اختناق و خشونت بی حساب علیه مردم را پدید آورده است، بر دو اصل استوار است؛ ۱- توزیع ناعادلانه قدرت و ۲- توزیع ناعادلانه ثروت.

این دو اصل مبتنی بر ساختار معیوب و نادرست حقوقی و حقیقی حکومت جمهوری اسلامی است. ساختار حقوقی جمهوری اسلامی مندرج در قانون اساسی مبتنی بر قرار دادن تمام اختیارات و قدرت در دست یک نهاد است. هر سه قوه زیر نظر رهبری و تحت نظارت او کار می کنند. رئیس قوه قضائیه را رهبری منصوب می کند. سیاست های کلی و کلان کشور را او تعیین می کند. فرماندهی کل قوا با رهبری است. فرمان جنگ و صلح نیز تحت نظر رهبری است. رئیس صدا و سیما را رهبری تعیین می کند. نصب فقهای شورای نگهبان نیز از اختیارات رهبری است. اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام هم منصوب رهبری هستند. فردی با این همه قدرت و اختیارات در قبال تصمیمات و سیاست‌های خود هیچ گونه مسئولیتی ندارد و حتی در برخی مواقع دولت و مجلس و سایر مسئولین را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم منصوب خود ایشان هستند، مورد نقد و انتقاد قرار می دهد.

علاوه بر این اختیارات که رهبری به موجب قانون اساسی به دست آورده است، تصمیماتی نیز در تعیین وزرا و تصویب لوایح و تأیید صلاحیت یا عدم صلاحیت کاندیدها اتخاذ می کند و در مواقع حساس نیز با حکم حکومتی لایحه ای را از دستور کار خارج می کند و فردی را تأیید یا تنفیذ می کند. مقامی با این جایگاه از قدرت بدون انتخاب مستقیم مردم توسط خبرگانی منصوب می شود که صلاحیت خود خبرگان توسط شورای نگهبان منصوب رهبری باید تعیین شود. این به مفهوم یک دایره و چرخه بسته ای است که مردم در آن هیچ نقش و جایگاهی ندارند. مجلس خبرگان رهبری که صلاحیتشان توسط شورای نگهبان تأیید می شود در عمل به شورای روحانیون سنتی تقلیل یافته است و هیچ کدام مطلقا در هیچ زمینه ای جز اندکی قفه سنتی، دانش و تخصص که هیچ، حتی سواد و آگاهی های اولیه را هم ندارند. بر جسسه ترین فرد آنها با مجیز گویی به صراحت گفته بود نظارت بر رهبری به منی صیانت از رهبری است. این مجلس بیکار ترین نهاد در این مملکت است که نبودن و انحلال آن نه تنها هیچ مشکلی ایجاد نمی کند، بلکه نبودنش حداقل مشکل هزینه اقتصادی را از گردن این مردم محروم بر می دارد.

همین طور است بسیاری از نهادهای تو در تویی مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام که هیچ توجیه قانونی و حقوقی ندارد و فقط لایه های نهادهای انتصابی را پیچیده تر می کند و انتخاب نهادهای انتخابی را سخت تر و هدایت شده تر می نماید تا در دایره بسته قدرت نامحرم و غیر خودی ورود و نفوذ نکنند. علاوه بر این نهادهای حاکم غیر انتخابی که عدم وجود آنها نه تنها آسیبی به کشور نمی رساند، بلکه روزانه میلیاردها تومان از منابع مالی و خزانه متعلق به مردم ذخیره می گردد، وجود نیروهای نظامی موازی با این همه طول و عرض خسران عظیمی است که بر شانه های نجیف ملت ایران تحمیل شده است.

این نهادهای مختلف نظامی و انتظامی تنها ماموریتشان حمایت از قدرت انتصابی و ابزاری برای سرکوب اعتراضات مردم و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه است. انقلاب ۵۷ مبارزه علیه خودکامگی غیر قانونی شاه بود. این خودکامگی بدون شک قانون اساسی مشروطیت را به شکلی بارز نقض می کرد.

## اصول اعتقادی جبهه ملی ایران بر گرفته از اساسنامه

اصل یکم: حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم: تأکید بر تأمین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی حزب‌ها، انتخابات و مطبوعات و برابری حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر.

اصل سوم: جبهه ملی ایران برای حفظ احترام به دین مبین اسلام، و همچنین فراهم شدن امکان بهره‌گیری از تمامی توان ملی و مردمی، بر اصل جدایی دین از حکومت تأکید می‌کند.

اصل چهارم: استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم: احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبان‌ها و گویش‌های تمامی مردم سرزمین ایران.

اصل ششم: تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم: اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر پایه حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور، پشتیبانی از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد، دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی، گروهی و دولتی. اصل هشتم: حفاظت و حراست از محیط زیست کشور یعنی نگاهداری از جنگل‌ها، مراتع، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و کوشش در راه جلوگیری از آلودگی هوا بر اساس اصول علمی و کارشناسی شده.

نامش ز کارنامه‌ی هستی سترده باد»  
عاشق است، عاشقی ایران پرشگون  
آن‌جا که لاله‌گون کند این خاک را ز خون  
پیش «یزید» عصر، به تسلیم تن نداد  
سر جز به راه ملت و عشق وطن نداد  
استاد ادیب برومند

«آن کس که نام نیک «مصدق» کند تباہ  
در خون کشند پیکر آن بی‌گناه را کو  
فریاد «زنده باد وطن» سر دهد ز جان  
نامش «حسین» بود و به سان نیای خویش  
در خون تپید و شد به قدمگاه حق شهید  
استاد ادیب برومند

## مثلث جمهوری آذربایجان، ترکیه و اسرائیل و تهدید منافع ملی ایران

چند ماه پس از این اتفاقات شاهد بازداشت و بازجویی و توهین و تحقیر رانندگان ایرانی در جاده گوریس-قاپان بودیم. متأسفانه در کشوری که منتقدان به جاسوسی متهم می‌شوند و با فشار از آنان اقرار گرفته می‌شود، از طرف دستگاه‌های دیپلماتیک به ادعای داوود اوغلو در مورد جاسوسان ترکیه در ایران واکنشی نشان داده نمی‌شود. این انفعال و بی‌عملی هیات حاکمه که به خاطر مسایل مداخله گرایانه اش در سطوح بین‌المللی هزینه‌های سنگینی بر ملت ایران تحمیل می‌کند، قابل توجیه نیست. مثلاً بر روی جلد کتاب «آتایوردو» (سرزمین پدری) کتاب درسی تاریخ برای دانش‌آموزان پنجم دبستان در جمهوری آذربایجان، نقشه‌ی آذربایجان شامل مناطق شمال غربی ایران نیز دیده می‌شود و پس از اعتراض ایران رنگ آن از زرد پررنگ به زرد کم‌رنگ تبدیل شد و دیگر از سوی ایران پیگیری نگردید! محتوای این کتاب هرگز مورد اعتراض و پیگیری دیپلماتیک قرار نگرفت. این که نوشته شده جنگ ایران و روسیه برای اشغال آذربایجان بوده است و از اشغالگران ایرانی صحبت می‌کند که در خونریزی از جلالان تزار عقب نمی‌ماندند. ستارخان و شیخ محمد خیابانی پانترکیست قلمداد می‌شوند و بسیاری از مفاخر ایرانی ترکان ایران ستیز معرفی می‌گردند! نفوذ روز افزون ترکیه و اسرائیل در این کشور روز به روز بر نفرت سازی تبلیغاتی شوونیست‌های پان‌ترک در نسل جوان و ایجاد انقطاع تاریخی آنان می‌افزاید. مگر آن که دستگاه دیپلماسی کشور به مدد مشاوره‌ی متخصصان میهن دوست و آگاه به شرایط کشور و منطقه برنامه‌هایی فرهنگی و سیاسی، کوتاه مدت و درازمدت، طرح ریزی کند و اجرایی سازد.

جمهوری آذربایجان به پشتوانه‌ی حمایت‌های ترکیه و اسرائیل بر بخش‌های زیادی از مناطق مورد مناقشه با ارمنستان تسلط یافت. انفعال روسیه در برابر این رخداد می‌تواند حاکی از توافق‌هایی پست پرده باشد که به خاطر از دست ندادن موقعیت چپاولگرانه‌اش در ایران، آن را آشکار نمی‌سازد. رخدادی که نظیرش را در سوریه شاهد بودیم، چگونه اسرائیل در حضور روسیه مواضع ایران را بارها مورد حمله قرار داده است. رجزخوانی‌های اردوغان که با واکنش قدرتمند افکار عمومی در فضای مجازی روبه‌رو شد، اما مساله در این حد نماند. رزمایش مشترک جمهوری آذربایجان با ترکیه و پاکستان و حضور دو کشوری که حقی در دریای مازندران ندارند در این دریا بر نگرانی‌ها افزود، هر چند مقامات رسمی جمهوری اسلامی واکنشی درخور بدان نشان ندادند. از یاد نبریم، استان سیونیک تنها استان هم‌مرز با ایران در ارمنستان است که با آذربایجان و نخجوان نیز هم‌مرز می‌باشد. تعدی جمهوری آذربایجان به این استان ایجاد سد ارتباطی برای ایران را دربر خواهد داشت که از جهت ژئوپولیتیک برای منافع ملی ایران تهدید و تحدید محسوب می‌شود. در نظر داشته باشیم که در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ رسانه‌های جهانی این خبر را منعکس کردند، که نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان در نشست شورای ملی اعلام کرد، نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان در منطقه دریاچه سیاه استان سیونیک به مرز ارمنستان تجاوز کرده‌اند. و حدود ۲۵۰ نفر از نظامیان جمهوری آذربایجان در خاک ارمنستان و در مناطق مرزی استان سیونیک حضور دارند و به نظر می‌رسد که این اقدامات با هدف ایجاد درگیری نظامی در آن منطقه است و آنان در خاک ارمنستان ۵/۳ کیلومتر پیشروی کرده‌اند.

## جشن آبانگان و مساله‌ی آب

سی حوضه‌ی آبریز و ۴۷۸ حوضه‌ی زیر آبریز را در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ میلادی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که میزان کاهش منابع آبی در این حوضه‌ها، در این فاصله زمانی به حدود ۷۴ کیلومتر مکعب می‌رسد. مساله‌ای که اگر تدبیری تخصصی برایش اندیشیده نشود، می‌تواند به فاجعه‌ای محیط زیستی بینجامد.

ایران به تنهایی حدود ۳۴ درصد از تمام مصرف آب در منطقه خاورمیانه را به خود اختصاص می‌دهد و ۶۰ درصد از نیاز ایران به آب هم از سفره‌های آب زیرزمینی تأمین می‌شود و متأسفانه بر اساس یافته‌های این مقاله، میزان برداشت از این منابع آب زیرزمینی در ایران، ۳ برابر سریع‌تر از میزان بازیابی آنها است.

دهم آبان ماه کهن جشن آبانگان در ایران باستان به شمار می‌رفته و اهمیتی ویژه برای ایرانیان داشته است. محوریت این جشن ایزدبانوی آناهیتا است که نماد پاکی و بی‌آلایشی از سویی و باروری و شکوفایی از دیگر سوسوست. برخی محققان بر این باورند، از هیچ ایزدی در اوستا و آیین زرتشت به اندازه‌ی آناهیتا با گرمی و دلبری یاد نمی‌شود. همچنین اهمیت آب را در این اسطوره شاهدیم.

دریفا که امروز به طور جدی با بحران آب مواجهیم، سه محقق ایرانی (اشرف، ناظمی، آقاچوچک، به نقل از تجارت نیوز) در آپریل ۲۰۲۱ با انتشار مقاله‌ای در مجله‌ی معتبر نیچر پرده از واقعیت‌های دردناکی برداشته‌اند. نویسندگان مقاله، تاثیر عوامل طبیعی و انسانی بر تغییرات ذخایر آب در

پیام  
جبهه ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: info@jebhemeliiran.org